

مهم‌ترین شکل‌های اقتباس در ادبیات کودک و نوجوان

فرنگیس بابویی ملک‌رودی، دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات کودک و نوجوان دانشگاه گیلان

Babooie8@gmail.com

چکیده

مقاله حاضر به بررسی مهم‌ترین شکل‌های اقتباس در ادبیات کودک و نوجوان اختصاص یافته است. در این مقاله پس از بیان مقدمه و پیشینه تحقیق، انواع اقتباس از آثار کهن و کلاسیک ادب فارسی و بعد از آن تعریف دقیقی از مشهورترین انواع اقتباس در ادبیات کودک و نوجوان یعنی؛ بازنویسی و بازآفرینی ارائه شده است. و در ذیل هر کدام شرایط و ویژگی‌های آن نیز ذکر شده و در نهایت ضرورت استفاده از بازنویسی و تاریخچه بازنویسی و بازآفرینی در ادب فارسی شرح داده شده است.

کلیدواژه: اقتباس، بازنویسی، بازآفرینی

مقدمه

آثار معتبر ادبی کهن و کلاسیک فارسی بیان‌گر ارزش‌های انسانی، فرهنگی، اخلاقی مردمان در دوران گذشته است. با توجه به اینکه این آثار بر پایه‌ی ویژگی‌های سبکی و زبانی دوران کهن به نگارش درآمده‌اند، مطالعه و دریافت بسیاری از مفاهیم آنها برای مخاطبان معاصره ویژه کودکان دشوار به نظر می‌رسد. امروزه ضرورت استفاده از این ذخایر عظیم ادب فارسی مورد توجه بسیاری از نویسندگان قرار گرفته است. از جمله شیوه‌هایی که زمینه آشنایی و استفاده کودکان از این گنجینه‌های ادبی و فرهنگی را فراهم می‌کند، بازنویسی و بازآفرینی این آثار به زبان امروزی است.

بازنویسی یعنی اثر کهن را به زبان امروزی درآوردن به طوری که کهنگی اثر گرفته شود، که خود بر دو نوع ساده و خلاق تقسیم می‌شود، در حالی که بازآفرینی یعنی تغییر در بنیاد اصلی اثر قبلی، به گونه‌ای که اثر جدید خود به نوعی اثری مستقل و جدا از اثر کهن است. بازنویسی و بازآفرینی همواره یکی از مهم‌ترین انواع ادبی در ادبیات محسوب می‌شود و از آنجایی که پیوند ناگسستنی با ادبیات کودک و نوجوان دارد، مطالعه و بررسی در این زمینه همواره مورد توجه واقع شده است. آثار بازنویسی شده از متون کهن و کلاسیک (شعرا و نثر) برای کودکان و نوجوانان ضمن اینکه موجبات سرگرمی و لذت آنها را فراهم می‌آورد، می‌تواند آنها را با مسائل ملی، اجتماعی، اخلاقی، تربیتی و... آشنا سازد.

پیشینه پژوهش

در زمینه بازنویسی و بازآفرینی آثار متعددی از کتاب، مقاله و پایان‌نامه منتشر شده است. از جمله؛ آثار و مقالات جعفر پایور در حوزه بازنویسی و بازآفرینی در ادبیات کودک و نوجوان مانند: شیخ در بوته و بازنویسی و بازآفرینی در ادبیات، کتاب کودکان و ادبیات رسمی ایران از صدیقه هاشمی نسب، کتاب بازآفرینی و بازنویسی در ادبیات کودک و نوجوان از آسیه ذبیح نیاعمران و حسین یگانه مهر، کتاب ادبیات کهن، ادبیات نو (گردآوری، ساده‌نویسی، بازنویسی، بازنگری، بازآفرینی) از محمد رضا یوسفی. و همچنین پایان‌نامه‌هایی از جمله؛ ۱. بررسی جنبه‌های مختلف بازنویسی از ادبیات کلاسیک ایران برای کودکان و نوجوانان از صدیقه هاشمی نسب (۱۳۶۶). ۲. نقد و بررسی ۱۰ اثر برگزیده بازنویسی شده برای کودکان از فاطمه ایرجی‌نیا (۱۳۸۸). ۳. بررسی اصول و روش‌های بازنویسی در ادبیات کودک (بر اساس ۲۰ داستان پرکاربرد) از ریحانه نصر - اصفهانی (۱۳۸۸). ۴. بررسی بازآفرینی ادبیات کهن برای نوجوانان از سال ۷۵-۸۵ از سمیه عربلو (۱۳۸۹). ۵. بررسی اصول و شیوه‌های بازنویسی متون کهن ادبی برای کودکان از سجّاد نجفی

بهزادی (۱۳۹۲) ۶. بررسی شیوه‌های بازنویسی و ساده‌سازی متون کهن ادبی برای کودکان از طوبی عزیزی علویچه (۱۳۹۲) ۷. نقد تطبیقی عناصر داستان‌های بازنویسی و بازآفرینی شده معاصر از متون کهن برای کودکان و نوجوانان باتکیه بر متن اصلی از سمانه غلامی (۱۳۹۳) ۸. نقد و بررسی بازنویسی‌های خلاق داستان‌های مثنوی برای کودکان و نوجوانان (بر اساس ۲۰ داستان برگزیده) از مریم خانی (۱۳۹۴). و همچنین مقالاتی مانند: «احیاء متون کهن ادب فارسی باروش بازنویسی و بازآفرینی» از فروغ الزمان جمالی، مقاله «بازنویسی، خلق اثر جدید یا حفظ اثر کهن» از جعفر توزند جانی، «تحلیل محتوایی بیست سال بازنویسی مثنوی برای کودک و نوجوان» از مریم مقدم، «نگاهی به عناصر داستان در بازنویسی کتاب قصه‌های شیرین کلیله و دمنه برای نوجوانان» از جهانگیر صفری و دیگران، «بررسی بازنویسی و بازآفرینی در ادبیات کودک بانگاهی به بازنویسی آثار عطّار» از ندامراد پورو... رادراین زمینه می‌توان نام برد.

انواع اقتباس

هر اثر ادبی مطابق با سبک خاص خود، نوع روایتش را برای کودک و نوجوان تعیین می‌کند. کتاب‌هایی هستند که ماهیتشان خلاصه نمودن، ساده نوشتن، بازنویسی نزدیک به سبک اصلی و یا برگردان و بازآفرینی است. که به این امر در کل اقتباس (بازنویسی) می‌نامند. بنابراین انواع اقتباس را اینگونه تقسیم می‌کنند:

۱. اقتباس آزاد: اقتباس کننده نسبت به متن کهن آزادانه عمل می‌کند و وفادار به متن اصلی نیست.
 ۱-۱. بازنگری؛ اقتباس کننده در بازنگری، نظر شخصی خود را در بخش درون مایه داستان اعمال می‌کند.
 ۱-۲. وام‌گیری از عناوین؛ در این روش، اقتباس کننده از اسامی و عناوین موجود در متن اصلی، برای عنوان مطلب و عناوین متنی خود استفاده می‌کند.

۱-۳. بازآفرینی؛ مشهورترین نوع اقتباس آزاد، بازآفرینی است. بازآفرینی در واقع آفرینشی جدید و دیگر از یک اثر است.
 ۲. اقتباس بسته: در اقتباس بسته یا وفادار، اقتباس کننده منبع ادبی را ملاک اصلی خود قرار می‌دهد.
 ۱-۲. بازنویسی؛ بازنویسی، مشهورترین نوع اقتباس بسته است. بازنویستن اثر کهن به زبان امروزی در چارچوب وفاداری به متن اصلی.

۲-۲. گزیده‌نویسی؛ در گزیده‌نویسی اقتباس کننده قسمتی از متن کهن را گزینش می‌کند و بدون تغییر آن را می‌آورد.
 ۲-۳. تلخیص؛ اقتباس کننده پیام اصلی متن را به کوتاه‌ترین شکل ممکن با بیانی ساده و قابل فهم برای مخاطبان بیان می‌کند. (ر.ک. جلالی و پورخالقی، ۱۳۹۲: ۵-۱۰)
 در اینجا دو نوع از مشهورترین شکل‌های اقتباس یعنی؛ «بازنویسی» و «بازآفرینی» که بیشترین بازتاب را در ادبیات کودک و نوجوان دارند بررسی می‌شوند.

۱- بازنویسی

برای مقوله بازنویسی تعاریف متعددی ذکر شده است، از جمله؛ بازنویسی در لغت به معنی دوباره نوشتن و از نو تحریر کردن است. در اصطلاح ادبی به نوشتن دوباره داستان یا مطلبی که به زبان کهن، بیگانه یا در قالب شعر باشد، با بیان ساده یا حذف قسمت‌هایی از آن و اضافه کردن قسمت‌هایی دیگر به آن، بازنویسی گفته می‌شود. بازنویسی داستان‌های کهن بخشی از ادبیات معاصر را به خود اختصاص داده است. (ر.ک. انوری، ۱۳۸۷: ۷۶۹) اصطلاح بازنویسی رانخستین بار محمود مشرف تهرانی در مجمع بین‌المللی ادبیات کودک در ۲۵ اردیبهشت سال ۱۳۵۴ مطرح کرد. «اقتباس یا بازنویسی، بازنگری اثری است به اندازه‌ی دلخواه، به طوری که عمل داستانی شخصیت‌ها - تا حدی که ممکن باشد - و خصوصیات زبانی و لحن اثر برجا بماند» (میرصادقی، ۱۳۷۷: ۲۵). «بازنویسی یعنی به زبان امروزی در آوردن اثر کهن به طوری که کهنگی اثر گرفته شود و بر دو گونه است: بازنویسی ساده؛ یعنی اثر کهن را به زبان امروزی در آوردن و بازنویسی خلاق؛ یعنی ساختار نوبه اثر کهن دادن» (پایور، ۱۳۸۰: ۱۵). «بازگویی و بازنویستن اثری است با حفظ

ویژگی‌های اثر بدون اندک دخل و تصرف در آن فقط زبان ساده‌تر کرده و آن را متناسب توان خواننده می‌نماید» (هاشمی نسب، ۱۳۷۱: ۴۳). «در بازنویسی که خاص متون کهن است، نویسنده بازنویس متنی قدیمی را، که دارای واژگانی نامأنوس و ناآشناست، با تغییر واژگان آن ساده می‌کند تا برای مخاطب امروزی قابل درک شود.» (مرادپور، ۱۳۹۲: ۴۴). «در بازنویسی نویسنده موضوع و محتوای اثر قبلی را نمی‌تواند تغییر دهد، اما آن را به فرم و ساخت جدید که مطابق سلیقه و پسند زمان خود باشد درمی‌آورد.» (بازنویسی یعنی برگردان متون کهن (شعریانشر) به نثر امروزی و زدودن کهنگی متن از چهره‌ی آن؛ بی‌آنکه مفهوم و محتوا دگرگون شود.» (در بازنویسی چارچوب طرح اصلی و استخوان‌بندی متن کهن دست‌نخورده برجای می‌ماند، دست بازنویس از تغییرات بنیادی و اساسی در متن قدیم کوتاه است.) (ذبیح نیاعمران و یگانه مهر، ۱۳۹۳: ۴۲، ۶۰ و ۶۲).

بنابراین تعاریف می‌توان بازنویسی را اینگونه دانست که؛ بازنویسی دوباره نوشتن یک متن متناسب با زمان و شرایط «بازنویسنده» است. بازنویسی یک اثر، حفظ ویژگی‌های کلی متن بدون کوچک‌ترین دخل و تصرف اساسی در متن است. بازنویسی، همان متن کهن با همان مفهوم و محتواست که کهنگی آن زوده شده است و مناسب برای مخاطبان امروزی است. بازنویسی، روشی است برای فراهم کردن یا خلق و آفرینش آثار ادبی برای کودک با استفاده از متون کهن به طوری که ارکان هویتی یا موضوعی اثر پیشین در اثر جدید حفظ شود. در این روش، اثر کهن برای کودکان مناسب‌سازی می‌شود. این مناسب‌سازی می‌تواند اهداف مختلفی داشته باشد. مناسب‌سازی می‌تواند شامل زبان و یاهریک از عناصر ساختاری اثر کهن باشد. بازنویسی‌ها از ساده‌ترین شکل یعنی فقط به زبان امروزی درآمدن ایجاد شده‌اند و کم‌کم شکل‌های مختلفی به خود گرفته‌اند. و در یک تقسیم‌بندی کلی بازنویسی به دو نوع ساده و خلاق تقسیم می‌شود؛ ساده (بازنویسی با تغییرات کم)؛ این نوع بازنویسی شایع‌ترین نوع بازنویسی و اغلب با هدف آشنایی مخاطب با میراث ادبی است. در این نوع بازنویسی متن کهن کاملاً ساده و امروزی می‌شود. ممکن است نویسنده بازنویس برخی از بخش‌های متن قدیم را حذف کند و یا اینکه به قسمت‌هایی از متن شاخ و برگ دهد، اما ساختار متن کهن تغییر عمده‌ای نمی‌کند و ارزش ادبی و هنری جدیدی به آن افزوده نمی‌شود. بازنویسی خلاق (بازنویسی با تغییرات زیاد)؛ در این نوع بازنویسی نویسنده بازنویس علاوه بر امروزی کردن و ساده کردن زبان در عناصر ساختاری نیز تصرف می‌کند، اما بازمی‌ماند مثل بازنویسی ساده از چارچوب هویتی و موضوعی متن کهن خارج نمی‌شود. چنین آثاری اگر به درستی و متناسب و خلاقانه و همراه با تخیل به وجود آیند، در واقع ساختاری نوبه متن کهن می‌بخشند و به ارزش ادبی و هنری آن متن هم می‌افزایند.

ویژگی‌ها و شرایط بازنویسی

۱. در بازنویسی باید محتوا و مضمون متن اصلی حفظ شود و هیچ گونه تغییری در اصل متن به وجود نیاید.
۲. مفهوم و هدف متن اصلی در متن بازنویسی دیده شود.
۳. تغییرات تاجایی امکان‌پذیر است که به پیام متن اصلی خدشه‌ای وارد نکند.
۴. اصول زبان و ادب فارسی در بازنویسی رعایت گردد.
۵. به مسائل عاطفی، فرهنگی و زبانی و ذهنی کودکان و نوجوانان توجه شود.
۶. هماهنگی ساخت و محتوا حفظ شود و با متن اصلی منطبق باشد.
۷. اصل مهم ساده‌نویسی برای کودکان رعایت شود.
۸. متن بازنویسی شده باید متناسب با دانش و معلومات گروه سنی مخاطب باشد. و به قابل درک و لذت بخش بودن برای کودکان توجه شود.
۹. برای سنین مختلف درجه‌بندی و مشخص شود.
۱۰. جلد، صحافی، کاغذ و ظاهر کتاب هم‌شان متن اصلی باشد.

در مجموع: بازنویسه ضمن سادگی و روانی نثر، باید خصوصیات بیان شاعر و نویسنده اصلی را در خود منعکس کند. تشبیهات، استعارات و تعبیرات خاص هر داستان در صورت امکان به تناسب فهم و درک گروه سنی آورده شود به شرطی که به روانی زبان متن آسیب نرساند و برای کودک و نوجوان قابل فهم باشد و کودک بدون آنکه متوجه گردد با سبک نویسنده و شخصیت و زبان او آشنا شود (ر.ک. هاشمی نسب، ۱۳۷۱: ۴۷-۴۸).

اهداف بازنویسی

هدف از بازنویسی از متون کهن و کلاسیک فارسی به زبان ساده امروزی آن است که کودکان و نوجوانان بتوانند با شوق و رغبت آثار بازنویسته را بخوانند و از طریق آن آثار با مضامین پرارزش فرهنگ گذشته‌ی ایرانی آشنا شوند و از تجربیات و ذوق گذشتگان بهره گیرند، تا هم پیوند خود با گذشته را حفظ کنند و هم ذهن و روح خود را تلطیف نمایند. اهداف کلی بازنویسی را می‌توان این چنین بیان کرد:

۱. ایجاد رابطه بین کودک و نوجوان و محیط تاریخی و فرهنگی‌اش، به گونه‌ای که کودک بتواند بین فرهنگ دیرین و امروزی خود پیوند برقرار کند.
۲. برانگیختن اشتیاق کودک و نوجوان به مطالعه با استفاده از متون جذاب.
۳. بالا بردن درک کلی کودک و نوجوان از تمامی جنبه‌های فرهنگی، دینی، تاریخی، اخلاقی و علوم و فنون از گذشته تا کنون.
۴. تبحر در زبان و ادب فارسی و تقویت توان نوشتاری مخاطبان به گونه‌ای که بتوانند آثار و متون کهن فارسی را به زبان فارسی امروزی بازنویسی کنند.
۵. دست‌یافتن کودک و نوجوان به اطلاعات عمومی و پایه‌ای در جنبه‌های مختلف مذهب، تاریخ، زبان و... که می‌تواند زیربنای تخصص‌های علمی، فرهنگی و ادبی آینده آن‌ها قرار گیرد.
۶. آشنا کردن کودکان و نوجوانان با تجارب مختلف زندگی برای رویارویی آنان با مسائل آتی.
۷. استفاده از جنبه‌های اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی متون کهن (ر.ک. ذبیح نیاعمران و یگانه مهر، ۱۳۹۳: ۶۳-۶۴)
۸. پرورش ذوق، اندیشه و نیروی تخیل در کودکان و به ویژه نوجوانان.
۹. ایجاد تنوع در خواندنی‌های کودک و نوجوان.
۱۰. امروزی کردن آثار کهن جهت فراموش نشدن آثار ارزشمند ادبی.

۲- بازآفرینی

اصطلاح بازآفرینی از آثار کهن، مانند بازنویسی تعاریف گسترده‌ای را شامل است. که از آن جمله: بازآفرینی در لغت یعنی آفرینشی دیگر، «بازآفرینی، نوعی بازنویسی است بر اساس آفرینشی مجدد بر اثری کهن بدون دخل و تصرف در چارچوب و خطوط اصلی اثر، درون مایه بانگش و پرداختی نوعی عرضه شود» (هاشمی نسب، ۱۳۷۱: ۴۳). اصطلاح بازآفرینی «برای دوباره آفرینی اثری است که از روی آثار آفریده شده قبلی به وجود می‌آید. به گونه‌ای که مثل اثر قبلی نباشد، اما رگه‌هایی پررنگ یا کم‌رنگ از آن اثر را در خود پنهان دارد» (ذبیح نیاعمران و یگانه مهر، ۱۳۹۳: ۵۰)

«در بازآفرینی، تغییر و تحول در سبک، ساختار و متن صورت می‌گیرد» (طائب، ۱۳۸۵: ۱۲). «در این روش اقتباس‌کننده اثری را مینا و معیار کار خود قرار می‌دهد و سپس بر اساس سلیقه، ذهنیات و تخیلات خود آن را دوباره می‌آفریند. او مجاز است در تمام عناصر ادبی یا داستانی دخل و تصرف کند» (جلالی و پورخالقی، ۱۳۹۲: ۷). «نویسنده بازآفرین در روش بازآفرینی از اثر دیگر، چارچوب هویتی آن را تغییر می‌دهد و دست به خلق اثری جدید می‌زند» (اثر بازآفریده شده اثری است مستقل و بدیع، هنرمند بازآفرین مختار است از هر زاویه‌ای که مایل است به اثر بنگرد و از همان قسمت خلأ قیامت را شروع نماید. او مجاز است ساختمان اصلی فکر قبلی را در هم ریزد، زیرا او پدیده‌ای به وجود می‌آورد که با اثر قبلی فاصله زیادی

دارد.) (ذبیح نیاعمران و یگانه مهر، ۱۳۹۳: ۴۸ و ۵۵). بنابراین می‌توان گفت: بازآفرینی روشی است برای آفرینش و خلق آثار ادبی و هنری، بالهام گرفتن از آثار دیگران چه آثار کهن و چه معاصر. در این روش نویسنده بازآفرین هیچ نوع تعهدی نسبت به اثر قبلی نداشته و می‌تواند در اثر قبلی هر نوع تغییری را اعمال کند، تغییر در موضوع و درون‌مایه و ساختار و تمامی ارکان اثر. در واقع نویسنده بازآفرین می‌تواند از هر زاویه‌ای وارد متن اصلی شود و ساختمان اثر را به کلی درهم بریزد. پایه و اساس بازآفرینی تخیل است و اثر بازآفریده اثری است مستقل و تازه و بدیع، که فقط نشانه‌هایی از اثر قبلی را در خود منعکس کرده است. به گفته پایور: بازآفرینی محتوا و اندیشه اثر مورد نظر را می‌زاید و اندیشه‌های نوبه جای آن می‌نشانند. البته در اثر جدید رگه‌ها و نشانه‌هایی از اثر قبلی وجود دارد، به گونه‌ای که خواننده به هنگام مطالعه‌ی اثر جدید خاطرۀ اثر قبلی را در ذهن می‌آورد. اما این اثر جدید دیگر آن محتوای قبلی را ندارد. حتی، شاید تنها با یک جناس اسمی، از اثر قبلی خاطرۀ آفرینی کند. اثر جدید نسبت به اثر اصلی می‌تواند از هر زاویه دیدی به وجود آید. فضا سازی‌های متفاوتی داشته باشد. زبان متفاوت یا درون‌مایه‌های گوناگونی بیابد، اما در تمام این تحولات و دگرگونی‌ها بازآفرینی مثل هر روش خلاق دیگر، از منطق خاصی به نام ساخت پیروی می‌کند. (پایور و جمالی، ۱۳۸۸: ۱۷۱-۱۷۲).

اصول و قواعد کلی بازآفرینی

۱. بازآفرینی یعنی برگردان متون کهن و یا معاصر (شعریانثر) به نثر امروزی با دخل و تصرف در محتوا و مفهوم و تمام ارکان اثر قبلی و تبدیل آن به اثری مستقل و جدید که با متن اصلی به کل متفاوت است.
۲. در بازآفرینی، نویسنده از موضوع اصلی حکایت‌ها و روایت‌های کهن الهام می‌گیرد و موضوعی جدید با هویتی مستقل می‌آفریند. به این معنی که عمده‌ترین کار در روش بازآفرینی، تغییر دادن موضوع و محتوای اثر اصلی و درهم ریختن چارچوب آن و ایجاد چارچوبی تازه است. به طوری که در بازآفرینی چهره‌های اسطوره‌ای و قهرمانان افسانه‌ای و حکایت‌های تاریخی و نظیر آن، تغییراتی صورت می‌گیرد که با خواندن اثر بازآفرینی شده، اثر اصلی در ذهن خواننده تداعی می‌شود.
۳. برعکس بازنویسی در بازآفرینی، بازآفرین مجاز است از موضوع کهن الهام بگیرد و هر گونه تغییری در موضوع، شخصیت‌ها، درون‌مایه و... ایجاد کند. می‌تواند شخصیت‌های روایت را از منفی به مثبت و یا به عکس تغییر دهد. هر گونه اندیشه فلسفی، اجتماعی و هنرنوع دیدگاهی را به موضوع مورد نظر خود وارد کند. اما، با همه تغییرات و دگرگونی‌هایی که در اثر پیشین ایجاد می‌کند، نشانه‌ها و رگه‌هایی از اثر پیشین اصلی در اثر جدید قابل درک و مشاهده است و این تنهاموردی است که اثر بازآفرین شده را از یک اثر تألیفی خلاقانه و آفرینش مستقیم و بی‌واسطه جدایی‌ناپذیر می‌سازد.
۴. در بازآفرینی مثل بازنویسی، بازآفرین می‌بایست اصول کلی نگارش زبان و ادب فارسی و اصول مهم ساده‌نویسی برای کودکان و نوجوانان و سایر تکنیک‌های نویسندگی را رعایت کند (رک. ذبیح نیاعمران و یگانه مهر، ۱۳۹۳: ۵۶-۵۷).

شیوه‌های بازنویسی و بازآفرینی

بازنویسی و بازآفرینی از متون کهن و معاصر (شعریانثر) به شیوه‌های گوناگونی انجام می‌پذیرد:

۱. بازنویسی به نثر از متن منظوم
۲. بازنویسی به نظم از متن منثور
۳. بازنویسی به نثر از متن منثور
۴. بازنویسی به نظم از متن منظوم
۵. بازنویسی دراماتیک یا نمایشی
۶. بازنویسی به طریق فیلم‌نامه
۷. کارت‌تصویری با ارزش یا فیلم‌های سینمایی، انیمیشن (نقاشی متحرک)

۸. ارائه متن بازنویسی بر کتاب و نوار

۹. برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی؛ و در نهایت، استفاده از تکنولوژی و وسایل کمک آموزشی در راه ارائه ادب رسمی و هنر کهن قصه‌گویی.

ضرورت بازنویسی و بازآفرینی از ادب رسمی

انسان‌ها بنا به شرایط زندگی عصر خود، تجربیات جدیدی کسب می‌کنند که تجربه قبلی آن‌ها را تکمیل می‌کند، در واقع با تغییر سلیقه‌ها، تجربیات قبلی کهنه شده و دیگر باب روز نیستند تا بتوانند کاربرد عملی داشته باشند. پس میل به جاودانه ماندن و نوشتن نمود می‌یابد. تضمین جاودانگی ادبیات به گونه‌ای دیگر شدن است. درهم ریختگی و از هم پاشیدگی در اثر موجود و به وجود آوردن اثری نو، پشتوانه‌ای محکم برای جاودان‌سازی جوهره هنر به حساب می‌آید (ر.ک. همان: ۵۱). کتب قدیمی نظم و نثر ماسرشار از داستان‌های پندآموز و اخلاقی و حتی سرگرم‌کننده است و ادبیات عامیانه مانیزاداری قصه‌ها و افسانه‌هایی است که سینه به سینه و نسل به نسل گشته و تا امروز بسیاری از آنها مکتوب شده و در اختیار کودکان و نوجوانان قرار گرفته‌اند. در واقع یکی از انواع خاص کتاب کودک هم کتاب‌هایی است که وسیله پیوند دادن کودک و نوجوان با ادب و فرهنگ گذشته ایران است و هسته مرکزی اطلاعات آن‌ها را در باب ایرانی و فرهنگ ایرانی تشکیل می‌دهد. بازنویسی یک ضرورت است. زیرا کودک و نوجوان به دلیل محدودیت در قدرت درک و خواندن قادر نیستند مستقیماً از آثار ادب کهن و کلاسیک بهره‌مند شوند، پس باید برای در اختیار گرفتن آثار ارزشمند ادب فارسی در اختیار کودکان و نوجوانان به بازنویسی و بازآفرینی این آثار پرداخت، تا هم کودکان و نوجوان از آن آثار بهره ببرند و هم اینکه با تجدید دوباره این آثار به فراموشی سپرده نمی‌شوند. در نتیجه این امر اجتناب ناپذیر و یک ضرورت است.

تاریخچه بازنویسی و بازآفرینی برای کودک و نوجوان در ایران

سال‌ها آثار بارز ادب رسمی نظیر: گلستان، بوستان، مرزبان نامه، کلیله و دمنه، مثنوی، شاهنامه و خمسه نظامی برای کودکان خوانده می‌شد. حفظ کردن مقدمه گلستان یا داستان‌های منظوم شاهنامه و مثنوی از سرگرمی‌های ادبی اطفال و نوجوانان به حساب می‌آمد. گرچه این سرگرمی را خود انتخاب نمی‌کردند، اما گاه دلبستگی به ادب رسمی و گاه اصرار والدین یا مربیان این گرایش را سبب می‌شد. در دوره بیداری یا تمهید انقلاب مشروطه، که در واقع دوره به بار نشستن تجدد و تحویل در ساختارهای تفکر و اندیشه، و ادبیات ایران بود، در کنار شکل‌گیری بسیاری از مفاهیم مدرن، مفهوم کودکی نیز تشخیص یافت و بر اساس نیاز به نوسازی سنت، بازنویسی متون کلاسیک برای کودک و نوجوان نیز مورد توجه قرار گرفت. شیخ محمدعلی تهرانی (کاتوزیان) از مجاهدان صدر مشروطه و نماینده قدیم مجلس شورای ملی کتاب‌هایی به نام اخلاق اساسی برای کودکان نوشت و در آن قصه‌های کلیله و دمنه، مرزبان نامه، انوار سهیلی و... را به زبانی ساده برای کودکان بازنوشت. ایرج میرزا یکی از گویندگانی بود که به این کار توجه فراوان داشت و هر قصه و تمثیلی را که می‌یافت برای کودکان به زبان ساده و روان به نظم می‌آورد. ترجمه و تلخیص گسترده‌ای از افسانه‌های اروپا، لافونتن و... نیز با نام‌هایی چون: تأدیب الاطفال، فرآئدالنصایح، اخلاق مصور، صدپند، انیس‌الادب و الاطفال، حکایات دلپسند و... صورت می‌گیرد. در سال‌های ۱۳۰۰ به بعد به ادبیات عامیانه و شفاهی که بخش بزرگی از آن مختص به کودکان و نوجوانان بود توجه بیشتری شد. از جمله نویسندگانی مانند: امیرقلی امینی (کتاب هزارویک سخن، داستان‌های امثال)، کوهی کرمانی، صادق هدایت (اوسانه، نیرنگستان)، فضل‌الله صبحی مهدی (افسانه‌های ایران) و... در زمینه ادبیات عامیانه آثاری از خود بر جای گذاشته‌اند. و همچنین کار انتخاب به تنهایی از ادب فارسی مانند تهیه خلاصه شاهنامه فردوسی برای دبیرستان‌ها، یاگزیده گلستان و بوستان مخصوص دانش‌آموزان دبیرستان‌ها (۱۳۱۹). یا سخنان شیوا، برگزیده تعدادی

از متون رسمی (۱۳۱۷) برای نوجوانان و جوانان به وسیله مرحوم محمدعلی فروغی حرکت به سوی انتخاب، انطباق و بازنویسی از ادب رسمی را پی افکند.

در سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۷ به ویژه دهه چهل که دوره طلایی ادبیات ایران در حوزه‌های مختلف شعر، رمان، ادبیات نمایشی، ادبیات کودک و... است، بازنویسی و بازآفرینی هم سیر صعودی دارد که عوامل مهمی رامی‌توان در آن دخیل دانست. از جمله؛ گفتمان بازگشت به خویش، گفتمان رسمی ناسیونالیستی (توجه به شاهنامه و ادبیات حماسی)، جریان مدرنیسم و... و در کل سال‌های ۱۳۴۴ تا ۱۳۴۹ از بهترین سال‌های بازنویسی از ادبیات کهن به حساب می‌آید. و از بازنویسان مشهور در این سال‌ها می‌توان به؛ احسان یارشاطر (داستان‌های شاهنامه و داستان‌های ایران باستان: ۱۳۴۴)، مهدی آذرزیدی (مجموعه قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب از: ۱۳۳۶- به بعد) زهرا خانلری (داستان‌های دل‌انگیز ادبیات فارسی: ۱۳۴۶)، مهرداد بهار (جمشیدشاه و بستور: ۱۳۴۶)، اشاره کرد. سبک این بازنویسان در بازنویسی متفاوت بوده و سبکشان به عنوان بنیان مستقیم بازنویسی از ادب رسمی به سه سبک مشخص تقسیم می‌گردد. الف. بازنویسی نزدیک به سبک اصلی نویسنده با اشعاری از متن اصلی مانند کارخانلری و یارشاطر. ب. بازنویسی به روایت آزاد داستان، با تغییرات مختصر در اصل داستان مانند کار آذرزیدی. ج. بازآفرینی یک داستان با استفاده از طرح اصلی به زبانی ساده مانند کار مهرداد بهار و م. آزاد. آذرزیدی در بازنویسی، بیشتر جنبه اخلاقی و اجتماعی کار را مدنظر دارد. آثار زهرا خانلری و احسان یارشاطر و مهرداد بهار بیشتر نشان‌دهنده ارزش هنری آثار ادبی کلاسیک ایران است. (ر.ک. هاشمی نسب، ۱۳۷۱: ۵۱-۵۳).

در طی این سال‌ها تادهه شصت تمامی آثار بسیار معروف ادب رسمی بارها بدون ضابطه‌ای مورد بازنویسی قرار می‌گیرد، به طوری که در سال‌های ۶۱ تا ۶۵ بازنویسی بالاترین نشر نسبت به تمامی سال‌های گذشته به خود اختصاص می‌دهد. اکثر آثار از جمله آثار آذرزیدی تجدید چاپ می‌گردد. در سال‌های اخیر بازنویسی و به ویژه بازآفرینی رشد بسیار چشم‌گیری داشته است، به طوری که در این میان هم آثاری با ارزش کم و بسیار ساده نویسی شده دیده می‌شود و هم اینکه آثار ارزشمندی به شکل بازآفرینی و بازنویسی خلاق شکل گرفته‌اند که در نوع خود بی‌نظیر است. از جمله نویسندگان بازنویس و بازآفرین مشهور در طی سال‌های اخیر می‌توان به: آرمان آرین، محمد رضا یوسفی، افسانه شعبان‌زاد، مصطفی رحماندوست، ناصر کشاورز، فرهاد حسن‌زاده، شکوه قاسم‌نیا، عرفان نظرآهاری و... اشاره کرد.

نتیجه‌گیری

نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که اقتباس از متون دیگری امر اجتناب‌ناپذیر است که همیشه بوده، و در طی سالیان اخیر این نوع از نوشتن سیر صعودی گرفته و آثار فراوانی از بازنویسی و بازآفرینی خلق شده است. اقتباس گرفتن از متون دیگر (نثر یا نظم) به انواع و شیوه‌های گوناگونی صورت می‌گیرد، ممکن است اقتباس گرازی بخشی از متن اصلی در اثر خود استفاده کند و یا متن اصلی را به روشی ساده‌تر بیان کند و یا اینکه متن اصلی را به کلی تغییر داده و فقط اشاره‌هایی به آن در متن بازنویسته، شده باشد و... روش‌های اقتباس نیز گوناگون است که از نظم به نثر یا بالعکس، یا نثر به نثر، نظم به نظم و... صورت می‌گیرد. مشهورترین نوع اقتباس در طی سالیان گذشته و امروزه در ادبیات کودک و نوجوان، اقتباس از متون دیگر به شکل بازنویسی و بازآفرینی بوده است. این دونوع از اقتباس شرایط و ویژگی‌هایی رامی‌طلبند که اگر نویسنده بازنویس و بازآفرین آن را در اثر خود رعایت نکند، از ارزش اثر کاسته می‌شود.

منابع

- انوری، حسن؛ فرهنگ بزرگ سخن؛ ج ۲، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۷.
- پایور، جعفر؛ شیخ در بوته؛ تهران: اشرفیه، ۱۳۸۰.
- پایور، جعفر؛ بازنویسی و بازآفرینی در ادبیات؛ به کوشش فروغ الزمان جمالی، تهران: کتابدار، ۱۳۸۸.

جلالی، مریم و مه دخت پورخالقی؛ «اقتباس مفهومی و نگارشی از شاهنامه در ادبیات کودک و نوجوان»؛ مجله مطالعات ادبیات کودک، شماره ۲، ۱۳۹۲؛ صص ۵-۱۰.

ذبیح نیاعمران، آسیه و حسین یگانه مهر؛ بازآفرینی و بازنویسی در ادبیات کودک و نوجوان؛ تهران: انتشارات فدک ایساتیس، ۱۳۹۳.

طائب، محسن؛ «جامعه نو بر بنیاد ادبیات کهن» کتاب هفتم، شماره ۳۸، ۱۳۸۵؛ ص ۱۲.
مرادپور، ندا؛ «بررسی بازنویسی و بازآفرینی در ادبیات کودک با نگاهی به بازنویسی آثار عطار»؛ فصلنامه تحلیلی-پژوهشی کتاب مهر، شماره ۸، ۱۳۹۲؛ ص ۴۴.

میرصادقی، میمنت؛ واژه نامه هنرداستان نویسی؛ تهران: کتاب مهناز، ۱۳۷۷.
هاشمی نسب، صدیقه؛ کودک‌کان و ادبیات رسمی ایران؛ چاپ اول، تهران: سروش، ۱۳۷۱.

